

و طبیعی دانش منسوب از آن کرده است و قبلاً بزرگ گفته اند اول شنب است بعد از آن
تجدید بعد از آن فصل بعد از آن غار که با کس بعد از آن بطن بعد از آن غار و با کس
دره کوه و راهی که در کوه باشد و جای روان شدن آب زمین و نشان شنب است
جمع و بختی و در بودن شنبی چای با زهر که در بودن و در دوش از یک یا دو شنب
و فتح این کردن است بسیار و در سر سبزه هر چه از آن میان باشد هر چه می خورد
و شوی برنج و در دست و در پا باشد **شعیب** بالغم تو شسته و آن مقام بتری است و
شکاف کند **غلب** بالغم و بختی بر یک چنین فتنه و در شنبی و بختی نام زینت
شعب بالغم و کله و سر کون قاف زمین است جای خود آمدن میان در کوه و با کس
شکاف کند و در سوراخ در زمین کوه که در آن است میان کس **شعب** بختی
تیزی و خوش حالی در آن **شعاب** رنگهای چند در حلق و مجاری آب که در آن مویلهای بود
شوب بالغم آجین دستور با وجوب گوید مایه شویست و در اول بخت نیست نزد او
سوربا و زینر است شده **شعب** بالغم بسیار بسیار غالی است و بختی که
کس در شنب و در شنبه ماه **شعاب** بالغم بتری که در جوش آن است باشد و با کس
از آتش بلند شد و در کله و در کار **شعیب** بالغم موی سینه و سینه یا موی و با کله
و تا زبانه و کوه است و در زلهای شنبه بوقت آب خوردن **مع التاء شعبه** بالغم
مقدار برای کلبه از طعام **شعاعه** بالغم آنچه بعد از شیر شدن باند و نام زهره شنبه
بختی نام چای **شعبه** بالغم پوشیده و شنبه شده **شعبه** کسترین و شنبه با
تره معروف که آنرا سویر گویند **شعب** بالغم و شنبه تا و شنبه و بالغم بر کله
شعب پراکنده و در آن کس شنبه شنبی جمع **شعاعه** بالغم در شنبه و بردی نمود
در کار در جای خود **شعبه** بالغم و کله شنبه بختی و در آن **شعبه** بالغم و
دست پیچیم چراغ و شکی هر **شعبه** بهر هر حرکت و فتح نون نام در دست و کله و

کوهی که بالای زمین باشد
و بالغم شنبه شنبی
بسیاری است در آن

چشمی از آن

چشمی از آن در دست در دم شده و شنبه در قوت و شنبه نوزدیک و بغایت جوشند
و بالغم شنبه از آن شنبه من است یعنی رحم ما جو دست از زمین نوزدیک است **شعبه**
با کس و شنبی و در آن و طایفه از آن سبب آن که جای است با شنبه برای جهاد و گاه و دانسته
کس تا زهره برای چای باشد شنبه و هر چه که برای ضبط کارهای بسیار است مردم در
شهر یا در شاه نصب کند **شعبه** بالغم اندک است و چربی و شنبه از آن زهره کوش و شنبه الا
رض ساروغ **شعاعه** بالغم فریبند **شعبه** بالغم و شنبه و شنبه لا و با کس
شعبه با کس و شنبه در آن شنبی و بالغم یک چهار در آن **شعبه** بالغم مقدار یک خورده
در شنبه میدانی از آب و در آن و در شنبی در موضعی و بالغم نیز آمده و بالغم یکبار شنبه
میدان در دست خرماکه از او در کوه و بالغم و شنبه در امر بسیار آشفته و بختی بسیار
آشفته میدان و در شنبه و در کله که در کله که در او بسیار است در دست و شنبه و در دست
و شنبه با زمین بسیار کله که در آن در دست باشد و موضعی و طرز و طریقت
شعبه با کس شنبه شدن و بختی نام چای **شعبه** بالغم هر دو شنبه شنبه شنبه
و پاره کردن خوب و در آن و کله و شنبه شنبه **شعبه** با کس و شنبه در امر و شنبه
و بد شدن **شعبه** بالغم بد شدن و پاره آشفته که بعد از بختی شنبه **شعبه** بالغم کله
و شرفه الا که زنده ترین مال **شعبه** با کس و شنبه و بعضی گفته اند ماه ظاهر شنبه و شنبه
کرده حق نقایح برای سنگان و درام شنبه سکون آورده و در ساروغ گمان و بختی نیز آمده
شعبه راه ظاهر در دست و شنبه و در حق نقایح که برای سنگان کرده و آنچه
شعبه بالغم مایه شنبه در قصاب و عصب شنبه و قصاب و بختی که روشن شود
و در شنبه برآید و بالغم زنده و بختی شنبه که در آن نشان کند بزرگوش شنبه
شعبه بالغم و شنبه در موضع شنبه و در شنبه حق نقایح شنبه که زنده شنبه شنبه
در شنبه یعنی شنبه روست و شنبه شنبه و بختی شنبه در شنبه شنبه شنبه